

جرم توهین از منظر حقوق جزای افغانستان

غلام حیدر رضایی*

چکیده

توهین از جرایمی است که شخصیت معنوی اشخاص را هدف قرار داده و به آبرو، شرف و منزلت اجتماعی آن‌ها صدمه و آسیب می‌رساند. در نظام‌های حقوقی، شخصیت معنوی همانند شخصیت مادی اشخاص، مورد حمایت و دفاع قرار گرفته است. در این مقاله کوشش شده است که ارکان سازنده جرم توهین، مجازات و ماهیت آن، از منظر حقوق جزای افغانستان، مورد مطالعه و تحقیق قرار بگیرد. در این نوشتار، برای تشخیص این‌که چه نوع رفتاری توهین تلقی می‌گردد، معیارهایی مطرح گردیده است و هم‌چنین اثبات گردیده است که در حقوق جزای افغانستان، اشخاص حقوقی همانند اشخاص حقیقی، موضوع جرم توهین قرار گرفته‌اند؛ هرچند که توهین به مقدسات، عنوان مجرمانه در قوانین جزایی کشور، ندارد.

واژگان کلیدی: توهین، اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی، ماهیت توهین، حقوق جزای افغانستان.

* ماستر حقوق جزا و جرم‌شناسی و استاد دانشگاه.

جرم توهین از جرایمی است که آسیب‌های حیثیتی، روحی و روانی را در پی دارد که مداوا و درمان آن‌ها بسیار سخت‌تر و دشوارتر از صدمات و ضررهای مالی و جسمانی است؛ زیرا که جرم توهین، آبرو، اعتبار و حیثیت شخص را مصدوم و مهتوک می‌سازد. در اسلام همان‌طوری که جان و مال افراد محترم است و هرگونه تجاوز و تصرفی به جان یا مال مردم جرم محسوب می‌شود، آبرو و حیثیت افراد نیز محترم و از عالی‌ترین و ارزنده‌ترین سرمایه‌های معنوی انسان است که نباید مورد بدزبانی و توهین دیگران قرار گیرد. اصولاً فلسفه بخشی از دستورهای اخلاقی اسلام؛ همانند ممنوع شدن غیبت، تهمت و فحاشی، حفظ آبروی انسان و جلوگیری از هتک حرمت او است. اهانت و تحقیر نسبت به افراد، لطمه‌زدن به سرمایه آبرویی و نادیده‌انگاشتن شخصیت آنان است؛ بنابراین، عمل توهین نه تنها از لحاظ حقوقی؛ بلکه از نظر اخلاقی و مذهبی نیز مذموم، ناپسند، گناه و جرم شمرده شده است. از منظر شرعی، اطلاق الفاظ و کلماتی که جسارت و گستاخی محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که هرگاه آن الفاظ به کسی نسبت داده شود یا به معنای آن الفاظ منسوب شود، ناراحت گشته و از نسبت آن بیزار می‌جوید، حرام است و به کاربردن آن الفاظ و جسارت و گستاخی کردن تعزیر دارد، چه شخصی که جسارت شده حاضر باشد یا در غیاب او به وی جسارت شده باشد؛ برای این که قاعده کلی در تعزیر، انجام‌دادن کار حرام است و جسارت به افراد نامشروع و حرام می‌باشد و کسی که مرتکب آن حرام شده، لازم است تعزیر شود.^۱ در قرآن مجید، توهین، دشنام و بدزبانی علاوه بر داشتن کیفر دنیوی و عذاب اخروی، مورد لعن و انزجار خداوند تبارک و تعالی قرار گرفته است: «خداوند دوست نمی‌دارد که کسی با گفتار زشت و به عیب خلق صدایش را بلند کند؛ مگر آن که ظلمی به او رسیده باشد که خداوند دانا و شنوا است».^۲ و نیز در قرآن کریم استهزا و مسخره‌کردن دیگران که از مصادیق بارز و آشکار

۱. عابدین مؤمنی، حقوق جزای اختصاصی اسلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۸۸.

۲. النساء/ ۱۲۸ «لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و کان الله سمیعاً علیماً».

توهین است، به شدت مورد توبیخ و نکوهش قرار گرفته است.^۱

از بررسی و مطالعه روش رهبران معصوم^(ع) و خرده‌گیری‌هایی که نسبت به مسلمانان در برخوردشان با فقرا و مستمندان ابراز می‌داشتند، نیز معلوم می‌شود که آنان تا چه اندازه رعایت آداب اسلامی و حفظ آبروی دیگران را مورد توجه و سفارش قرار داده‌اند. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «هرگز مؤمن تهی‌دست را خوار مشمارید که هر کس او را تحقیر و سبک شمارد، خداوند او را خوار و کوچک شمرد و پیوسته مورد خشم خدای باشد تا وقتی که از حال تحقیر بیرون رود یا توبه کند.»^۲ و در یکی از احادیث که از امام صادق^(ع) روایت شده است، توهین به مؤمن جنگ با خدا اعلام شده است.^۳

در حقوق جزای افغانستان نیز توهین و تحقیر کردن جرم تلقی گردیده است و مجازات تعزیری برایش پیش‌بینی شده است. یادآوری می‌گردد برخی از جرایم که تعرض و تجاوز بر

۱. الحجرات ۱۱/ ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید! مسخره ننمایید قومی از شما قوم دیگر را شاید آن‌ها که مورد تمسخر قرار گرفته‌اند، از مسخره‌کنندگان بهتر باشند و همین‌طور زن‌ها حق ندارند همدیگر را مسخره و استهزا نمایند به جهت آن‌که چه بسا اشخاصی که مورد استهزا قرار گرفته‌اند، از آن اشخاصی که استهزا می‌کنند، بهتر باشند و بر همدیگر طعنه‌نژند و با القاب اهانت‌آور، اسم نبرند، چه بد است اسم‌بردن با فسق، برای کسی که از شرافت ایمان بهره‌مند شده است، پس اگر کسی از این‌گونه اعمال، توبه نکنند، در زمره ستم‌کاران قرار خواهد گرفت. نخستین اصلی که در این آیه ذکر شده است، اصل احترام به شخصیت فرد مسلمان است. مسلمانان در برخوردهای فردی و اجتماعی باید احترام متقابل را در باره یکدیگر رعایت کنند. به طوری کلی طرز تفکر افراد مادی با خداشناسان متفاوت است. انسان مادی احترام و شخصیت را در انجام موزون و چهره زیبا می‌داند؛ ولی طرز تفکر یک مسلمان و قضاوت او گرد ملکات انسانی و سجایای اخلاقی دور می‌زند. جمله «عسی ان یکونوا خیرا منهم» سند جلوگیری قرآن از مسخره و توهین کردن است. از آن‌جا که افراد بشر از درون و روحیات یکدیگر بی‌خبرند، انسان واقعی و انسان آدم‌نما، از نظر قیافه و اندام یک نواخت می‌باشند. چه بسا ممکن است افرادی بدقیافه مورد مسخره قرار گیرند؛ در صورتی که اگر ملکات باطنی آن‌ها جلوه‌گر بود، مورد استهزاء قرار نمی‌گرفتند. روی این اصل که ملاک و محور شخصیت، یک سلسله امور پنهانی و غیر قابل رؤیت است، مسخره کردن هیچ فردی از افراد مسلمان جایز شمرده نشده است. طبق فرمایش رسول گرامی اسلام، کسی که در این دنیا دیگری را به مسخره می‌گیرد، در آخرت خودش مورد مسخره و توهین قرار می‌گیرد. ر. ک: مصطفی نورانی، محرمات و کیفر آن‌ها در دین اسلام، انتشارات مکتب اهل بیت^(ع)، چاپ ۴، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۹۳.

۲. محمدحسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ ۱، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۶۶، حدیث ۱۶۲۶۹.

۳. محمدتقی فلسفی، الحدیث - روایات تربیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ مکرر، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۰۵: «ابی عبد الله علیه السلام انه قال: نزل جبرئیل علی النبی صلی الله علیه و آله و قال: یا محمد ان ربک یقول من اهان عبدی المؤمن فقد استقبلنی بالمحاربه»، أحمد بن ابی بکر بن إسماعیل البوصیری، إتحاق الخیره المهره (دارالوطن - الرياض الطبعه الأولى، ۱۴۲۰ هـ، ۱۹۹۹ م، ج ۲، ص ۲۹۵: «وَمَنْ أَهَانَ فَقِيرًا مُسْلِمًا مِنْ أَجْلِ قَرَّةٍ فَاسْتَحْتَفَ بِهِ، فَقَدْ اسْتَحْتَفَ بِرَقِّ اللَّهِ، وَ لَمْ يَزَلْ فِي مَقْتِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ حَتَّى يُرْضِيَهُ». محمد بن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، همان، ج ۱۲، باب تحریم ایذاء المؤمن، ص ۲۶۴، باب اهانه المؤمن و خذلانه، ص ۲۶۵ و اذلال المؤمن و احتقاره، ص ۲۶۹.

حیثیت افراد محسوب می‌شوند، در حقوق جزای افغانستان در باب تعزیرات مطرح شده‌اند؛ از آن حیث که نوع مجازاتی که برای آن‌ها مقرر شده، از نوع تعزیرات است. در این نوشتار، ارکان تشکیل‌دهنده مجازات و ماهیت جرم توهین از منظر قوانین جزایی افغانستان مورد بحث قرار می‌گیرد؛ هرچند که در برخی از موارد، با ملاحظه خلاصه قانونی، نگاه فقهی نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت.

الف) ارکان تشکیل‌دهنده جرم توهین

ضرورت درک وصف مجرمانه بودن «توهین»، ایجاب می‌کند که نخست ارکان به وجودآورنده هر جرمی مورد تبیین قرار گیرد.

۱. رکن قانونی جرم توهین

در این جا نخست به تعریف توهین و نیز شناسایی ملاک توهین‌بودن رفتار پرداخته و سپس به یادآوری مواد قانونی مربوط به جرم توهین پرداخته می‌شود.

۱-۱. تعریف توهین

۱-۱-۱. تعریف لغوی توهین

«توهین» در لغت به معنای خوارگرداندن و خوارشمردن و حقیر و سبک‌داشتن است. در زبان عربی به جای کلمه توهین، واژه «اهانت» به کار می‌رود^۱ و نیز گفته شده است که اهانت مصدر «أهان» است و اصل فعل «هان» به معنای ذل و حقر است و اهانت از صور استهزاء و استخفاف است.^۲ در برخی از فرهنگ‌های فارسی چنین آمده است: «توهین مصدر لازم به معنای خوارکردن، خوارداشتن، سبک‌داشتن، خفیف‌کردن، سست‌کردن است و به عنوان اسم مصدر به معنای خواری و خفت آمده و جمع آن توهینات است.»^۳ و «اهانت مصدر متعدی

۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱، ج ۱۵، ص ۱۱۴۸.

۲. محمود بن عبدالرحمان عبدالمنعم، معجم المصطلحات و اللفاظ الفقهیه، بی‌جا، دارالفضیله، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۵.

۳. محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۸، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۱۷۱.

به معنای خوار کردن، خوار داشتن، ذلیل گردانیدن، تحقیر کردن است و مبنای اسم مصدری آن خواری و تحقیر است»^۱.

۱-۱-۲. تعریف حقوقی توهین

قانون گذار افغانستان از توهین یا اهانت تعریفی به عمل نیاورده است؛ ولی در بعضی از آثار حقوقی از آن این گونه تعریف شده است: «توهین، عبارت است از نسبت دادن هر امر وهن آور اعم از دروغ یا راست به هر وسیله و طریقی که باشد و یا انجام هر فعل یا ترک فعلی که در نظر عرف و عادت موجب کسر شأن و یا باعث تحقیر و پست شدن طرف گردد»^۲. برخی از حقوق دانان، توهین را به بیان ذیل تعریف کرده اند: «جرم توهین عبارت است از رفتار عمدی خلاف قانون که به موجب عرف نسبت به طرف، موهن باشد»^۳؛ بنابراین، بین معنای لغوی و حقوقی مناسبت وجود دارد؛ زیرا که در لغت، توهین به معنای سست گردانیدن است و در اصطلاح حقوقی، سست کردن شخصیت معنوی و حیثیت افراد مورد نظر است. حیثیت هر فردی، موقعیت شخصی و اجتماعی او است که از عوامل متعددی تشکیل می شود.

۱-۲. ملاک توهین بودن رفتار

از آن جا که شخصیت اجتماعی افراد متفاوت است، توهین در اشخاص مختلف نیز تفاوت پیدا می کند. ممکن است لفظی یا حرکتی و یا رفتاری، نسبت به یک شخص توهین باشد و نسبت به شخص دیگری توهین نباشد. برای این که دانسته شود که چه رفتاری نسبت به شخصی توهین محسوب می شود- همان طوری که از تعاریف توهین معلوم است- باید قضاوت عرف را ملاک تشخیص توهین قرار داد؛ اما این که از کجا بدانیم که قضاوت عرف ملاک در تحقق توهین است، دلایل ذیل آن را اثبات می کند:

۱-۲-۱. مفهوم لغوی

۱. محمد معین، همان، ص ۴۰۸.

۲. ابراهیم پاد، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۳، ۱۳۵۲، ص ۳۷۳.

۳. حسین آقایی نیا، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۲۰.

گفته شد که توهین در لغت به معنای تحقیر کردن، سست کردن و تخفیف کردن است و به وضوح و بدون نیاز به استدلال، مشخص است که احراز مفهوم تحقیر، سست و یا تخفیف بر مبنای مجموعه عواملی؛ از قبیل کم و کیف رفتار، شخصیت طرفین، زمان، مکان و امثال آن، که ارکان تشکیل دهنده عرف هستند، امکان پذیر است؛ بنابراین، بر خلاف جعل، مرگ و یا تعیین علت تصادف رانندگی که معیار تشخیص آن‌ها کارشناسی است، در توهین معیار تحقق آن، عرف است.^۱

۱-۲-۲. اندیشه‌های حقوقی

«عمده این است که گفتار یا رفتار فاعل، بالقوه و از نظر عرف، سبک و وهن آور باشد.»^۲
 « برای تشخیص موهن بودن عمل مادی یا زشت و قبیح بودن فحش و ناسزا، ضرورت دارد که مقامات قضایی و دادگاه‌ها در هر مورد با در نظر گرفتن عرف و عادات، زمان و مکان و شخصیت و وضع اجتماعی طرف، عمل توهین آمیز یا لفظ رکیک را به طور کامل و صریح ارزیابی و سنجیده و در حکم صادره قید نماید.»^۳ «اهانت به طور مستقیم و به وسیله الفاظ و گفتار و کردار و حرکات صورت می‌گیرد که معمولاً تشخیص آن، با عرف است.»^۴

با توجه به دلایل فوق، لازمه جرم شناختن توهین، ارزیابی رفتار مرتکب با معیار عرف است. البته این بدان معنا نیست که صرف توهین بودن عرفی یک اقدام، کافی برای جرم شناختن آن باشد. به عبارت دیگر، هر توهین کیفری مبنای عرفی دارد؛ ولی هر توهین عرفی لزوماً جرم محسوب نمی‌شود؛ زیرا که ممکن است برخی از اقدامات از نظر عرف توهین حساب شود؛ ولی قانون آن را جرم نشمرده است؛ به عنوان مثال: اگر نوجوانی در مقابل اعتراض والدین خود به سیگریت کشیدن در حضور آن‌ها از جملاتی؛ مانند «به شما ارتباطی ندارد» و یا «فضولی موقوف» استفاده کند، بی‌گمان عرفاً توهین است؛ ولی با توجه به مواد قانونی

۱. حسین آقای‌نیا، همان، ص ۲۱.

۲. ابراهیم پاد، پیشین.

۳. محمد صالح ولیدی، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ۱، ۱۳۶۹، ج

۲، ص ۲۸۱.

۴. هوشنگ شامیاتی، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، ژوبین/ مجد، چاپ هفتم، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۲۳.

نمی‌توان فرزند را به اتهام ارتکاب جرم توهین، محکوم کرد.

به این ترتیب، در تشخیص توهین هر چند عرف نقش مبنایی دارد؛ ولی برای کیفری بودن آن، باید به شرایط مقرر در قانون، نظر مقنن و اندیشه جرم‌زدایی نیز توجه داشت. با توجه به فقدان ملازمه بین توهین بودن یک اقدام از نظر عرفی و بین جرم بودن آن از نظر قانون، می‌توان گفت که بهترین تعریف برای توهین همان تعریفی است که حسین آقای‌نیا بیان کردند؛ یعنی رفتاری، توهین کیفری محسوب می‌شود که اولاً خلاف قانون باشد و ثانیاً عرف نیز آن را توهین تلقی نماید.

۱-۳. مواد قانونی مربوط به توهین

در قانون جزاء افغانستان، دشنام و فحاشی یک عنوان مستقل کیفری است؛ همان‌طوری که توهین یک عنوان مستقل کیفری می‌باشد. قانون‌گذار افغانستان عنوان توهین را جایی به کار می‌برد که مجنی علیه آن، افراد و اشخاص خاص؛ مانند رئیس جمهور، مؤظفین خدمات عامه و نهادهای حقوقی؛ مثل پارلمان، اردو، حکومت، محاکم و... باشند که در ادامه بحث، مواد قانونی آن مطرح می‌شود. به هر تقدیر، دشنام در قانون جزاء افغانستان نیز یکی از مصادیق بارز توهین است که مواد زیر، رکن قانونی آن را تشکیل می‌دهند:

- ماده ۴۴۱ قانون جزا: «دشنام عبارت است از نسبت دادن چیزی به غیر که به اثر آن، اعتبار یا حیثیت شخصی جریحه‌دار گردد؛ گرچه متضمن استناد به یک واقعه معینه نباشد».

- ماده ۴۴۲ همان: «اگر دشنام مشتمل به استناد به واقعه معینه نباشد؛ بلکه به نحوی از انحاء، اعتبار یا حیثیت شخص را جریحه‌دار نماید، در صورتی که دشنام به یکی از وسایل علنی تحقق یافته باشد، مرتکب به حبس قصیری که از سه ماه کم‌تر نباشد یا جزای نقدی که از سه‌هزار افغانی کم‌تر و از دوازده‌هزار افغانی بیش‌تر نباشد، محکوم می‌گردد».

- ماده ۴۴۳ همان: «اگر دشنام به وسیله علنی صورت نگرفته باشد؛ بلکه توسط تلفن، ارسال مکتوب و یا توسط شخص دیگری ابلاغ گردیده باشد، مرتکب به جزای حبسی که

از سه ماه کم‌تر و از شش ماه بیش‌تر نباشد یا جزای نقدی که از سه‌هزار افغانی کم‌تر و از شش‌هزار افغانی بیش‌تر تجاوز نکند، محکوم می‌گردد».

- ماده ۴۴۴ همان: «۱- اگر یکی از خصوم در محاکم یا در اثنای تحقیق به قدری که دفاعیه ایجاب می‌کند به دیگری دشنام بدهد، محکوم به جزا نمی‌گردد. اگر شخصی مورد تعدی شخص دیگری واقع گردد و در اثنای فوران غضب به وی دشنام بدهد، محکوم به جزا نمی‌گردد».

- ماده ۲۴۳ همان: «اشخاص آتی حسب احوال به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده‌هزار افغانی بیش‌تر نباشد، محکوم می‌گردند: ۱- شخصی که توسط یکی از وسایل علنی به رؤسای دولت خارجی دشنام بدهد؛ ۲- شخصی که توسط یکی از وسایل علنی، به نمایندگان رسمی کشورهای خارجی در افغانستان، به ارتباط وظیفه‌شان، دشنام دهد». در این ماده قانون‌گذار افغانستان، طرف دشنام اگر رئیس خارجی یا نماینده سیاسی خارجی باشد، از کیفیات مشدده جرم دشنام دانسته است.

- ماده ۲۹ قانون منع خشونت علیه زن: «شخصی که زن را دشنام دهد و یا تحقیر نماید، حسب احوال به حبس قصیر، که از سه ماه کم‌تر نباشد، محکوم می‌گردد».

علاوه بر مواد فوق که عنوان دشنام داشت، قانون‌گذار مواد دیگری را در قانون جزا به تصویب رسانده است، که عنوان توهین دارد که البته ناظر به اشخاص خاص است؛ از جمله مواد: ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۹۴ و ۲۹۵ می‌باشد.

پرسشی در این‌جا مطرح است که مقصود از توهین در این مواد قانونی چیست؟ و چه رفتاری توهین محسوب می‌شود؟

پاسخ به این پرسش، ایجاب می‌کند که مفهوم و ملاک توهین مورد شناسایی قرار گیرد، تا روشن شود که چه رفتاری از نظر قانون توهین جزایی محسوب می‌گردد.

۲. رکن مادی جرم توهین

ساختار رکن مادی جرم توهین از رفتار فیزیکی مرتکب، شرایط لازم برای تحقق توهین، نتیجه و ماهیت جرم توهین، ترکیب می‌یابد که در این گفتار، هرکدام به طور مجزا مورد بررسی و گفت‌وگو قرار می‌گیرد.

۲-۱. رفتار فیزیکی جرم توهین

رفتار فیزیکی جرم توهین، اسناد امری به دیگری است که قابلیت صدمه‌زدن به حیثیت و اعتبار را دارد. اسناد علاوه بر انتقال معنا، شامل انتشار آن میان مردم نیز خواهد بود. امری که اسناد داده می‌شود لازم نیست ساخته شخص اسناددهنده باشد؛ بلکه ممکن شخص دیگری آن را ساخته باشد و اسناددهنده فقط وسیله انتقال آن باشد.^۱ هم‌چنین امری که به دیگری اسناد داده می‌شود، لازم نیست امر یا واقعه مشخص و معینی باشد؛ بلکه ممکن است امر نامعینی به دیگری اسناد داده شود؛ مانند این که گفته شود فلانی معصیت‌کار است یا لایالی می‌باشد و...؛ چنان‌که قانون‌گذار افغانستان در ماده ۲۴۱ قانون جزا، به این مطلب تصریح می‌کند: «دشنام عبارت است از نسبت دادن چیزی به غیر که به اثر آن، اعتبار یا حیثیت شخصی جریحه‌دار گردد؛ گرچه متضمن اسناد به یک واقعه معینه نباشد».

یادآوری می‌شود که رفتار فیزیکی توهین، به طور غالب از طریق فحاشی و استعمال الفاظ رکیک واقع می‌شود؛ لیکن به این موارد محدود نیست و حصری نمی‌باشد؛ بدین ترتیب، اعمالی مثل آب دهان به روی دیگری انداختن، کشیدن تحقیرآمیز دیگری و یا برداشتن خشونت‌آمیز کلاه یا لنگی و یا روسری از سر شخص محترمی و پرتاب کردن آن به زمین، می‌توانند توهین کیفری محسوب گردند و نیز رفتار فیزیکی توهین می‌تواند از طریق اشاره، عکس، کتابت، کاریکاتور، تلویزیون، تئاتر، سینما، کامپیوتر و غیره، محقق گردد.

پرسشی که در این جا مطرح است، این است که آیا رفتار فیزیکی توهین، فقط با فعل مثبت قابل تحقق است یا با ترک فعل نیز رفتار فیزیکی توهین تحقق پیدا می‌کند؟ به عنوان مثال:

۱. عباس زراعت، حقوق جزای اختصاصی، پیشین، ص ۳۹۱.

اگر فرد محترمی وارد مجلسی شود و همه حاضرین به احترام او به پا خیزند و یا دست دهند؛ لکن فردی - علی‌رغم این‌که فرد محترم دست خود را به سوی او دراز کرده - از دست‌دادن با وی امتناع نماید، آیا چنین شخصی مرتکب توهین شده است؟

در پاسخ باید گفت که در این خصوص، بین علمای حقوق اختلاف نظر وجود دارد؛ زیرا برخی از حقوق‌دانان ترک فعل را نیز موجب تحقق جرم توهین می‌دانند؛^۱ ولی بعضی از حقوق‌دانان معتقدند هرچند ترک عملی که عرف انتظار انجام آن را از مرتکب دارد، گاه از نظر مردم، رفتاری خلاف موازین ادب و اخلاق تلقی می‌شود؛ لکن برای کیفری محسوب شدن توهین باید فعل مثبتی از مرتکب سرزند. برخی دیگری از حقوق‌دانان تحقق جرم توهین ساده را با ترک فعل نمی‌پذیرند؛ اما تحقق جرم توهین‌های مشدد را با ترک فعل قبول دارند؛ به عنوان مثال: مطابق عرف اداری، هنگامی که مقام عالی‌رتبه‌ای وارد محلی می‌شود، حاضرین باید به پاس احترام بلند شوند. حال اگر شخصی از انجام چنین کاری خودداری کند، مرتکب اهانت شده است؛ در صورتی که این امر نسبت به افراد عادی اهانت‌آمیز تلقی نمی‌شود؛^۲ ولی برخی دیگر از حقوق‌دانان نظرشان بر این است که توهین‌های مشدده نیز تنها با فعل مثبت قابل ارتکاب است. با وجود تردیدهای موجود، تسری احکام آن‌ها به موارد ترک فعل، خلاف اصل تفسیر نصوص جزایی خواهد بود؛ لکن هرگاه عرف خاص مسلمی وجود داشته باشد که ترک فعل را بین گروه‌های معینی توهین محسوب نماید (مثل عدم ادای احترامات نظامی به مافوق)، شمول احکام راجع به توهین کیفری به آن موارد بعید نیست.^۳

اما با توجه به حقوق جزای افغانستان، به نظر می‌رسد که ترک فعل موجب تحقق توهین نباشد؛ زیرا در دشنام که یکی از مصادیق بارز توهین است - چنان‌که گذشت - رفتار فیزیکی همان انتساب و استناد است که فقط با فعل مثبت قابل تحقق است نه با ترک فعل. عنوان توهین نیز که در مواد مختلف به کار برده شده است، ظهور در فعل مثبت دارد؛ زیرا در برخی

۱. دکتر ابراهیم یاد، پیشین. ایرج گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۲، ص ۳۰۸. بهمن حسین‌خانی، حقوق جزای اختصاصی (۱)، تهران، نسل نیکان، چ، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳. عباس زراعت، حقوق جزای اختصاصی (۱)، پیشین، ص ۳۹۲.

۲. امیرخان سپهوند، حقوق کیفری اختصاصی ۱، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ ۱، ۱۳۸۶، ص ۲۵۴.

۳. حسین میرمحمد صادقی، همان، ص ۴۲۰.

از آن مواد قانونی، مصادیقی که ذکر شده‌اند، همه آن‌ها فعل مثبت هستند؛ چنان‌که در ماده ۲۹۴ قانون جزا آمده است: «هرگاه شخصی به اشاره یا قول یا تهدید، موظف خدمات عامه را... توهین نماید...» و هم‌چنین در ماده ۲۹۵ همان قانون، قانون‌گذار، اهانت توسط تلگراف یا تلفن یا نوشته و یا رسم را مطرح کرده است که این مصادیق، همه بیانگر این هستند که توهین با فعل مثبت، قابل تحقق است نه با ترک فعل. به این ترتیب، مواردی در قانون جزای افغانستان دیده نمی‌شود که نشان بدهد توهین با ترک فعل نیز محقق می‌شود.

۲-۲. شرایط لازم برای تحقق جرم توهین

برای این‌که رفتار مرتکب توهین محسوب شود، وجود شرایطی ضروری است که در این‌جا آن شرایط، به طور جداگانه، مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. موهن بودن رفتار مرتکب

صرف خشونت در گفتار را نمی‌توان توهین جزایی محسوب کرد؛ هرچند که این رفتار ممکن است با توجه به شخصیت طرف مقابل و رابطه خاص وی با گوینده، رفتار بی‌ادبانه تلقی شود. برای محکوم شدن مرتکب به جرم توهین، رفتار وی باید موهن باشد. تشخیص موهن بودن - همان‌طوری که در آغاز بحث مطرح شد - با عرف است. البته نظر عرف در این‌گونه موارد بنا بر اعتقاد برخی از حقوق‌دانان، با توجه به عامل زمان و مکان، طبقه اجتماعی و شخصیت مخاطب و نیز موقعیت خاصی که رفتار مورد نظر در آن ارتکاب یافته است، مشخص می‌شود.^۱ علاوه بر این‌که رفتار مرتکب، باید نسبت به طرف مقابل اهانت‌آمیز باشد، باید امری که به دیگری نسبت داده می‌شود، صلاحیت داشته باشد که به حیثیت فردی و اجتماعی مجنی علیه لطمه وارد کند. منظور از حیثیت فردی، جایگاهی است که هر انسانی به اعتبار انسان بودن از آن بهره‌مند است و منظور از حیثیت اجتماعی، همان حیثیت و جایگاهی اجتماعی اشخاص می‌باشد. لطمه به حیثیت و اعتبار اشخاص بدین معنا است که مردم نسبت به مجنی علیه نفرت پیدا کرده و ارزشش نزد مردم و نزد کسانی که با او معاشرت

۱. حسین میر محمد صادقی، همان، ص ۴۲۱.

دارند، تنزل پیدا کند. مقنن افغانستان صریحاً در ماده ۴۴۱ قانون جزا، به این شرط اشاره می‌کند که: «... دشنام عبارت است از نسبت دادن چیزی به غیر که به اثر آن، اعتبار یا حیثیت شخص جریحه‌دار گردد.»

۲-۲-۲. عدم لزوم شخص حقیقی بودن طرف توهین

در این‌که طرف توهین تنها شخص حقیقی است یا شخص حقوقی نیز می‌باشد، بر پایه حقوق جزای افغانستان، به نظر می‌رسد تردیدی وجود ندارد که مجنی علیه توهین می‌تواند شخص حقوقی نیز قرار بگیرد؛ زیرا که اولاً قانون‌گذار در قانون جزا به توهین اشخاص حقوقی تصریح کرده است؛ چنان‌که در ماده ۲۴۶ قانون جزا آمده است: «شخصی که توسط یکی از وسایل علنی، لویه جرگه، پارلمان، حکومت، اردو، محاکم یا سایر مقامات دولتی را توهین نماید...» ثانیاً محل جرم توهین و اهانت، شرافت، حیثیت و اعتبار اشخاص است و جرمیت توهین برای حمایت از حیثیت و اعتبار اشخاص وضع شده است؛ با این بیان که هر شخصی دارای دو حیثیت است: یکی حیثیت شخصی و دیگری حیثیت اجتماعی. توهین جرمی است که هردو حیثیت را هدف قرار می‌دهد؛ هم حیثیت فردی و شخصی را صدمه می‌زند و هم ممکن است به اعتبار و شأن اجتماعی طرف توهین لطمه وارد کند. بناءً از آنجایی که شخص حقوقی نیز دارای موقعیت و شخصیت اجتماعی است و این موقعیت مورد حمایت قانون می‌باشد، توهین به اشخاص حقوقی نیز امکان دارد^۱ و این بیان که شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قایل است، نیز این را تأیید می‌کند؛ زیرا که منطبق حقوق اجازه نمی‌دهد شخص حقوقی را مکلف به انجام وظایف قانونی دانست؛ ولی تخریب حیثیت او مجاز باشد. هم‌چنین تصریح قانون‌گذار به ممنوعیت نشر آثار و مطالبی که افترا به اشخاص حقیقی یا حکمی بوده و سبب متضرر شدن

۱. در ایامی که مرحوم آقای حاجت به بیماری منجر به فوتش دچار شد، به بیمارستانی در حوالی حرم شاه عبدالعظیم منتقل گردید. مرحوم مطهری برای عیادت نزد او می‌رود و بعد از این‌که احراز می‌کند آقای حاجت رفتنی است، به او می‌گوید: «ما در نقد شما و دیدگاه‌های تان حرف‌هایی زده‌ایم، حلال کنید!» گفته بود: «من به عنوان یک انسان معمولی و حقیقی از شما گذشت می‌کنم؛ ولی به عنوان فرد حقوقی و یک مرجع تقلید، اگر به ساحت مرجعیت توهین شده باشد، دیگر ربطی من ندارد و باید با خدا مسأله‌ات را حل کنی». ر. ک: علی محمدی تاکنندی، رضا شیخ محمدی، خاطرات و حکایات روح‌فزا، قم، آزاد گرافیک، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷.

شخصیت و اعتبار آنان گردد (فقره ۳ ماده ۴۵ قانون رسانه‌های همگانی) و نیز فقره ۱ ماده ۷ قانون مذکور: «هر شخص حقیقی یا حکمی که از ناحیه یک رسانه همگانی مورد تعرض قرار گرفته، شخصیت و اعتبار یا منافع مادی آن متضرر شود...»، مؤید دیگری است بر این که مجنی علیه توهین می‌تواند شخصی حقوقی نیز باشد.

در این جا توجه به این نکته لازم است که مرتکب جرم توهین، فقط اشخاص حقیقی می‌توانند باشند و اشخاص حقوقی نمی‌توانند مرتکب این جرم بشوند؛ زیرا ارتکاب جرم از سوی اشخاص حقوقی پدیده‌ای استثنایی بوده که جز در موارد مصرح در قانون، قابل پذیرش نیست.^۱

۲-۲-۳. معین بودن طرف توهین

مجنی علیه توهین باید معین باشد و منظور از معین بودن آن نیست که مشخصات وی به صورت جزئی و کامل بیان شود؛ بلکه همین که مخاطب بتواند بدون تکلف وی را بشناسد، کفایت می‌کند؛ هر چند این شناسایی از طریق قراین و امارات خارجی باشد؛ بنابراین، توهین به یک گروه کلی، بدون تعیین مصادیق، جرم محسوب نمی‌شود.^۲ البته یادآوری می‌شود که لزوم معین بودن مجنی علیه توهین، به معنای آن نیست که مجنی علیه توهین لزوماً فرد واحدی باشد؛ بلکه اگر تعداد گروه کم و قابل تشخیص باشند؛ به گونه‌ای که بتوان توهین را متوجه تک تک آن‌ها دانست، توهین کیفری محقق می‌شود؛ مثل این که کسی همه دانش‌آموزان یک کلاس خاص را مورد توهین قرار بدهد.^۳

۲-۲-۴. حضوری و علنی بودن توهین

در پاسخ این پرسش که آیا حضوری یا علنی بودن توهین، شرط تحقق جرم توهین است یا نه، باید گفت که برای پیدا کردن حکم مسأله، لازم است به ماهیت این جرم توجه شود. همان‌گونه که می‌دانیم جرم توهین، جرم علیه حیثیت و اعتبار اشخاص است و حیثیت

۱. حسین میرمحمد صادقی، جرایم علیه اشخاص، پیشین، ص ۴۲۵ و بهمن حسین‌خانی، پیشین، ص ۲۱۵.

۲. حسین میرمحمد صادقی، جرایم علیه اشخاص، پیشین، ص ۴۲۳.

۳. همان.

اشخاص دارای دو جنبه اجتماعی و شخصی می‌باشد. جنبه اجتماعی، جایگاهی است که هر شخصی در جامعه و میان هم‌نوعان خود دارد و دیگران به آن احترام می‌گذارند و این جایگاه برای افراد مختلف تفاوت دارد. جنبه شخصی، جایگاهی است که هر شخص برای خودش قائل است و آن را احساس می‌کند. به نظر می‌رسد هر دو جنبه حیثیت و اعتبار اشخاص مورد توجه قانون بوده است و علنی بودن یا علنی نبودن اهانت به این جایگاه بستگی به هر یکی از این دو جنبه دارد. جنبه اجتماعی حیثیت، زمانی تحقیر می‌شود که اهانت به آن، جنبه عمومی و علنی داشته باشد و دیدگاه مردم نسبت به این جایگاه تغییر یابد؛ بنابراین، زمانی اهانت این اثر را خواهد بخشید که علنی باشد و مردم آن را ببینند یا بشنوند؛ ولی جنبه شخصی حیثیت مربوط به شخص است و آزدگی او برای تحقق اهانت کافی است؛ هر چند اهانت علنی نشده و دیگران نیز اطلاعی پیدا نکرده باشند. بناءً هر چند اهانت، غالباً به صورت علنی انجام می‌شود؛ اما علنی بودن شرط آن نیست. از آنچه گفته شد، مسأله غیابی و حضوری بودن اهانت را نیز می‌توان نتیجه گرفت. تحقیر شخص نزد مردم و لطمه به جایگاه اجتماعی وی لازم نیست در حضور مجنی‌علیه و یا به اطلاع وی صورت گیرد؛ بنابراین، حضوری بودن اهانت نیز شرط نیست و ممکن است اهانت به شکل غیابی انجام شود.^۱ برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که برای تحقق جرم توهین، وجود یکی از دو شرط حضوری یا علنی بودن، لازم و کافی است.^۲

در قانون جزاء افغانستان، حضوری و علنی بودن شرط تحقق جرم توهین و دشنام نمی‌باشد؛ بلکه علنی بودن فقط موجب تشدید مجازات برای مرتکب توهین و دشنام است؛ هم‌چنان‌که توهین حضوری رئیس جمهور موجب تشدید مجازات می‌گردد؛ بنابراین، در قانون جزای افغانستان، حضوری بودن فقط در یک صورت موجب تشدید مجازات است و آن در صورتی است که توهین به رئیس جمهور حضوراً باشد؛ اما در مورد افراد و اشخاص دیگر، علنی بودن موجب تشدید مجازات هست؛ ولی حضوری و غیابی بودن، تأثیر در کمیت

۱. عباس زراعت، حقوق جزای اختصاصی (۱)، جرایم علیه اشخاص، تهران، فکرسازان، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۳۹۳.

۲. حسین میرمحمد صادقی، جرایم علیه امنیت، تهران، نشر میزان، چاپ ۱۳، ۱۳۸۸، ص ۱۷۵.

و یا کیفیت مجازات ندارد؛^۱ ولی انصاف مقتضی است که در تمام موارد توهین، بین توهین حضوری و غیابی باید تفاوت باشد؛ زیرا که لطمه و تخریب حیثیت در توهین حضوری، بیش‌تر از توهین غیابی است؛ اما از این‌که قانون‌گذار افغانستان علنی‌بودن را موجب تشدید مجازات قرار داده است، یک گام مثبت در راستای تحقق قضاوت عادلانه است.

۲-۲-۵. زنده‌بودن طرف توهین

در حقوق افغانستان، مصادیقی که برای توهین ذکر شده است، همه ظهور در افراد زنده دارند. نظر بهتر نیز شاید این باشد که گفته شود توهین شامل شخص مرده نشود؛ زیرا توهین چیزی است که موجب الحاق شین و عار و در نتیجه موجب جریحه‌دار شدن حیثیت و اعتبار شخص مورد توهین در میان مردم می‌گردد که این باعث می‌شود شخص توهین‌شده در میان مردم که او را می‌شناسند، احساس شرمندگی و حقارت نماید و این احساس فقط می‌تواند برای شخص زنده حاصل شود نه شخص مرده. البته یادآوری می‌شود که توهین به مردگان تنها در صورتی می‌تواند مشمول مواد قانون جزای افغانستان قرار گیرد که عرفاً توهین به بازماندگان تلقی شود و در واقع آنان بزه‌دیده محسوب شوند.

۲-۲-۶. عدم لزوم ارتجالی‌بودن توهین اندیشه

در قانون جزای افغانستان به موجب فقره (۲) ماده^{تاسیس ۱۳۹۴} ۴۴۴: «اگر شخصی مورد تعدی شخص دیگری واقع گردد و در اثنای فوران غضب به وی دشنام دهد، محکوم به جزا نمی‌گردد». ارتجالی و ابتدایی بودن، شرط تحقق توهین جزایی است. هم‌چنین به موجب فقره (۱) ماده مذکور، اگر یکی از خصوم در محاکم یا در اثنای تحقیق، به قدری که دفاعیه ایجاب می‌کند به دیگری دشنام بدهد، محکوم به جزا نمی‌گردد.

بر این اساس، در صورتی که کسی پاسخ توهین دیگری را با توهین متقابل بدهد، تنها می‌توان مرتکب اول را مجازات کرد و مرتکب دوم محکوم به جزا نمی‌شود.

۱. ر. ک: ماده ۲۴۲ و ماده ۲۹۵.

۲-۳. نتیجه در جرم توهین

نتیجه جرم توهین آن است که به حیثیت و موقعیت اجتماعی مجنی علیه لطمه وارد شود. به موجب ماده ۴۴۱ قانون جزاء افغانستان، «دشنام عبارت است از نسبت دادن چیزی به غیر که به اثر آن، اعتبار (جایگاه اجتماعی) یا حیثیت (شأن و منزلت فردی) شخصی جریحه‌دار گردد؛ گرچه متضمن استناد به یک واقعه معینه نباشد.» و ماده ۴۴۲، «اگر دشنام مشتمل به استناد به واقعه معینه نباشد؛ بلکه به نحوی از انحاء، اعتبار یا حیثیت شخص را جریحه‌دار نماید...». جرم دشنام یک جرم مقید است؛ یعنی دشنام مقید شده به این‌که موجب جریحه‌دار شدن حیثیت و اعتبار مجنی علیه گردد؛ بنابراین، به هر جهتی که اگر دشنام باعث جریحه‌دار شدن حیثیت طرف مقابل نگردد، جرم دشنام تحقق پیدا نمی‌کند؛ اما جرم عنوانی توهین نیز اگر از نوع انتساب و استناد چیزی به اشخاص عادی باشد، به موجب مواد مذکور، مقید خواهد بود؛ ولی اگر توهین مذکور نسبت به اشخاص دولتی و حکومتی انجام گیرد و یا توهین از نوع برخورد فیزیکی باشد؛ یعنی طرف مقابل را با تُف‌انداختن و یا انداختن تخم مرغ و... توهین نماید، در این صورت به نظر می‌رسد توهین جرم مطلق باشد و مقید به نتایج مذکور نخواهد بود.

برخی از حقوق‌دانان اعتقادشان بر این است که لازم نیست عملاً به حیثیت و موقعیت مجنی علیه لطمه وارد شده باشد؛ زیرا جرم اهانت، جرم ضرر نیست؛ بلکه جرم خطر است و در جرم خطر گفته می‌شود همین‌که انتساب امری به دیگری، صلاحیت لطمه‌زدن داشته باشد، کفایت می‌کند. به همین جهت است که صحت و سقم اسناد تأثیری در تحقق جرم ندارد؛ یعنی اگر اسناددهنده، مطلب صحیحی را هم به مجنی علیه نسبت دهد که موجب لطمه به حیثیت و اعتبار وی شود، جرم اهانت محقق شده است.^۱

۳. رکن معنوی جرم توهین

در هیچ یکی از جرایم، قانون‌گذار افغانستان از تعابیر عمد، قصد، علم، سوء نیت و امثال

۱. عباس زراعت، ص ۳۹۴ و ابراهیم یاد، پیشین، ص ۳۴۹.

آن‌ها استفاده نکرده است؛ ولی با توجه به اصل عمدی بودن جرایم، توهین جرمی است عمدی و مصداق غیر عمدی ندارد. تحقق عنصر عمد در جرم توهین منوط است بر این‌که مرتکب، علم و اراده داشته باشد؛ بنابراین، مرتکب باید مفهوم آنچه را که انجام می‌دهد، بداند و نیز بداند که عمل او قابلیت لطمه‌زدن به حیثیت و اعتبار مجنی‌علیه را دارد و از نظر قانون، جرم به حساب می‌آید؛ هرچند ماده قانونی آن را نداند. بر این پایه، در صورتی که فردی الفاظی را به کار ببرد یا حرکتی را انجام دهد که علم به موهن بودن آن نداشته باشد، به دلیل عدم علم و آگاهی، مجازات نخواهد شد.

هم‌چنین مرتکب، علاوه بر علم و آگاهی بر موهن بودن رفتار، ضروری است که در ارتکاب عمل نیز اراده داشته باشد و به عبارت دیگر قاصد باشد؛ بنابراین، اگر کسی در حال خواب یا بیهوشی با به کار بردن الفاظ رکیک به دیگری اهانت نماید، به دلیل فقدان قصد مجرمانه، مجازات نخواهد شد.^۱

نکته‌ای که در این جا حایز اهمیت است، این است که وجود سوء نیت خاص در مرتکب ضروری نیست. به عبارت دیگر، این‌که مرتکب از رفتار مورد نظر، قصد تخفیف و تحقیر یا اذیت و متالم کردن مخاطب را داشته باشد، از اهمیت برخوردار نمی‌باشد؛ بلکه سوء نیت عام کافی است و این سوء نیت، در جرم توهین مفروض می‌باشد؛ زیرا به کار بردن الفاظ رکیک یا فحاشی نسبت به دیگری، بیانگر وجود سوء نیت مرتکب می‌باشد؛ لذا شاکی مؤظف به اثبات وجود علم و سوء نیت مرتکب نیست؛ لکن متهم می‌تواند ثابت نماید که فاقد علم یا سوء نیت بوده است.^۲

ناگفته نماند که صحت مطالب استنادی به مجنی‌علیه، تأثیری در تحقق جرم توهین ندارد؛ هم‌چنان که انگیزه سوء یا شرافت‌مندانه مرتکب در مسؤولیت کیفری وی مؤثر نیست؛ بنابراین، کسی که به انگیزه بالابردن روحیه ورزشکار خود به ورزشکار گروه مقابل توهین

۱. بهمن حسین‌خانی، حقوق جزای اختصاصی (۱)، تهران، نسل نیکان، چاپ ۱، ص ۲۱۶.

۲. حسین میرمحمد صادقی، جرایم علیه اشخاص، پیشین، ص ۴۳۲۹ و حسین آقای‌نیا، پیشین، ص ۳۳.

۳. بهمن حسین‌خانی، همان.

نماید، یا به انگیزه شکستن حس عجب و غرور یک فرد متکبر وی را در مقابل دیگران مورد اهانت‌های تحقیرآمیز قرار می‌دهد، مرتکب جرم توهین کیفری می‌شود و انگیزه او تنها ممکن است از موجبات تخفیف مجازات باشد.^۱

لازم به ذکر است که در توهین با توجه به سمت مندرج در (ماده ۲۴۲، ۲۴۳ و ۲۴۸ قانون جزا) مرتکب علاوه بر داشتن قصد اهانت، باید شخصیت طرف توهین را نیز بشناسد و از سمت و مقام او اطلاع داشته باشد؛ بنابراین، اگر کسی در اثر اشتباه در شخص و مقام مبادرت به توهین به شخصیت دیگری نماید، عمل او توهین به شخص عادی تلقی خواهد شد و نه توجه به سمت و مقام. به بیان دیگر، اشتباه مرتکب در هویت طرف، وصف عمدی توهین را زایل نمی‌کند؛ بلکه فقط می‌تواند مستند قانونی را تغییر دهد.

ب) مجازات جرم توهین

در این گفتار، مجازات توهین در دو سطح ساده و مشدد مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌گیرد:

۱- مجازات ساده

در حقوق جزای افغانستان، به موجب ماده ۴۴۲ قانون جزا، مجازات دشنام ساده یکی از دو چیز است: حبس قصیری که از سه ماه کم‌تر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کم‌تر و از دوازده هزار افغانی بیش‌تر نباشد.

شایان ذکر است که در حقوق جزای افغانستان، به موجب ماده ۹۷ قانون جزا، جزای اصلی یک جرم عبارت است از: (۱) اعدام؛ (۲) حبس دوام؛ (۳) حبس طویل؛ (۴) حبس متوسط؛ (۵) حبس قصیر؛ (۶) جزای نقدی.

- ماده ۹۸ قانون جزا: «اعدام عبارت است از آویختن محکوم‌علیه به دار تا وقت مرگ».

۱. ر. ک: حسین آقایی‌نیا، پیشین و حسین میرمحمد صادقی، پیشین.

- ماده ۹۹: «۱- حبس دوام عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محابسی که از طرف دولت به این منظور تخصیص یافته است؛ ۲- مدت حبس دوام از شانزده تا بیست سال می باشد».

- ماده ۱۰۰: «۱- حبس طویل عبارت از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محابسی که از طرف دولت به این منظور تخصیص یافته است؛ ۲- مدت حبس طویل از پنج سال کم تر و از پانزده سال بیش تر نمی باشد؛ ۳- در حبس دوام و حبس طویل محکوم علیه مکلف است کارهای اصلاحی را انجام دهد که در قانون مربوط به محابس پیش بینی شده است؛ ۴- محبوسی که سن شصت سالگی را تکمیل کرده باشد، به انجام کار گرچه اصلاحی هم باشد، مکلف نمی باشد».

- ماده ۱۰۱: «۱- حبس متوسط عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محابسی که از طرف دولت به این منظور تخصیص یافته است؛ ۲- مدت حبس متوسط از یک سال کم تر و از پنج سال بیش تر نمی باشد؛ ۳- محکوم علیه به حبس متوسط مکلف به انجام کارهای اصلاحی می باشد که در قانون مربوط به محابس پیش بینی شده است».

- ماده ۱۰۲: «۱- حبس قصیر عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محابسی که از طرف دولت به این منظور تخصیص یافته است؛ ۲- مدت حبس قصیر از بیست و چهار ساعت کم تر و از یک سال بیش تر نمی باشد؛ ۳- محکوم علیه به حبس قصیر مکلف به انجام هیچ نوع کار نمی باشد».

۲- مجازات مشدد

مقنن افغانستان در مواردی بر حسب فرد مورد اهانت و وسیله یا مکانی که در آن توهین صورت گرفته است، مجازات جداگانه ای در نظر گرفته است که شدیدتر از مجازات توهین ساده است. نمونه های این نوع توهین متعدد می باشند که ذیلاً به اهم آنها اشاره می گردد:

۱-۱. تشدید مجازات به اعتبار شخص مورد اهانت

۲-۱-۱. توهین به شخص اول مملکت

مقنن افغانستان به موجب ماده ۲۴۲ قانون جزا، «اگر شخصی توسط یکی از وسایل علنی به رئیس جمهور اهانت کند و این اهانت اگر در محضر رئیس جمهور ارتکاب گردد، مرتکب به حبس طویل محکوم می‌گردد؛ چنانچه اگر در غیاب او باشد، مرتکب به حبس متوسط محکوم می‌گردد». شخصیت رئیس جمهوری را از عوامل مشدده جرم توهین محسوب کرده است و مجازات اهانت به آن را مشدد کرده است. در واقع در ماده مذکور، قانون‌گذار افغانستان به اوصاف سه‌گانه مشدده جرم توهین اشاره کرده است: «شخص اول مملکت بودن» و «حضور و علنی بودن توهین».

۲-۱-۲. توهین به سایر کارمندان و مقامات دولتی افغانستان

در حقوق جزای افغانستان، به موجب ماده ۲۴۸ قانون جزا، شخصی که توسط یکی از وسایل علنی، مؤلف خدمات عامه^۱ (کارکنان و مأموران دولتی) را به ارتباط اجرای وظیفه توهین نماید، به حبس قصیری که از سه ماه کم‌تر و از شش ماه بیش‌تر نباشد و جزای نقدی که از سه‌هزار افغانی کم‌تر و از شش‌هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی از این دو جزا محکوم می‌گردد؛ اما هرگاه شخص به اشاره یا قول یا تهدید، مؤلف خدمات عامه را در اثنای اجرای وظیفه و یا به سبب ادای آن توهین نماید، به موجب ماده ۲۹۴ قانون جزا، به حبس قصیری که از سه ماه کم‌تر و از شش ماه بیش‌تر نباشد یا جزای نقدی که از سه‌هزار افغانی کم‌تر و از شش‌هزار افغانی تجاوز نکند، محکوم می‌گردد.

در صورتی که اگر اهانت به مؤلفین و کارمندان دولتی در غیر کارهای اداری و یا به غیر سبب ادای انجام وظیفه ارتکاب شود، به مجازات توهین ساده محکوم می‌شود.

۱. به موجب ماده ۱۲ قانون جزا، اشخاص آتی، مؤلفین محسوب می‌گردند: ۱- مأمورین و اجیران دولت و تصدی‌های دولتی؛ ۲- مأمورین و اجیران مؤسسات عامه؛ ۳- اعضای ارکان دولت و جرگه‌های ولایتی و محلی؛ ۴- وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود و سایر اشخاصی که تصادیق‌شان معتبر شناخته شود.

در خصوص توهین در حین انجام وظیفه با عنایت به این که حسب مقررات اداری، مأمورین دولتی باید وظایفشان را در محل خدمت تعیین شده و در ساعات رسمی انجام دهند، «زمان» و «مکان» در وقوع جرم مؤثر است. به عبارت دیگر، مقام دولتی باید در ساعات اداری و در زمان انجام وظیفه مورد اهانت واقع شود.

نکته شایان توجه این که چنانچه اشخاص موضوع ماده ۲۹۴، مرتکب اعمال غیر قانونی شوند؛ به نحوی که آن‌ها را از حالت «در حال انجام وظیفه بودن» خارج کند و در چنین حالتی مورد توهین قرار گیرند، از شمول مقررات ماده مذکور خارج می‌شوند؛ به عنوان مثال: اگر کارمندی در برخورد با مراجعین حالتی تهاجمی به خود گرفته و اقدام به توهین و پرخاش به آن‌ها کند، نامبرده در چنین وضعیتی، حین انجام وظیفه نمی‌باشد؛ بلکه در حالت «فحاشی و درگیری» است و چنانچه طرف مقابل نیز به او توهین کند، چنین امری توهین در حال انجام وظیفه محسوب نمی‌شود.

نکته دیگر این که زمان و مکان در توهین به سبب انجام وظیفه تأثیر ندارد و جهت تحقق جرم کافی است که کسی به مأمورین دولتی به سبب انجام وظیفه، اهانت کند؛ به عنوان مثال: اگر کارمندی به کوه‌پیمایی برود و در آن‌جا یکی از مراجعه‌کنندگان به او توهین و فحاشی نماید، به لحاظ این که چنین اهانتی به سبب انجام وظیفه بوده است، مجازات مرتکب مشمول ماده ۲۹۴ خواهد شد. از طرف دیگر، چنانچه توهین در حال انجام وظیفه باشد، حضور فیزیکی شخص مورد توهین شرط است؛ در حالی که در توهین به سبب انجام وظیفه، حضوری بودن توهین شرط نمی‌باشد و می‌تواند در غیاب شخص مورد توهین و در حضور دیگران همانند مراجعه‌کنندگان و یا همکاران صورت پذیرد.

۲-۱-۳. توهین به مقامات خارجی

در حقوق جزای افغانستان، مجازات توهین به رئیس و نمایندگان سیاسی خارجی، خفیف‌تر از مجازات توهین به افراد ساده و عادی در نظر گرفته شده است؛ زیرا به موجب ماده ۲۴۳ قانون جزا، مجازات توهین به وسیله علنی به اشخاص مذکور عبارت است از: حبس قصیر یا

جزای نقدی که از دوازده هزار بیش تر نباشد. در این ماده، مقنن حداقل و حداکثر حبس قصیر را مشخص نکرده است و هم چنان که حداقل جزای نقدی را بیان ننموده است.

از آن جا که حداقل حبس قصیر در حقوق افغانستان ۲۴ ساعت و حداقل جزای نقدی پنجاه افغانی می باشد، قاضی می تواند به ۲۴ ساعت تا به یک سال حبس حکم کند. این مجازات نسبت به مجازات دشنام از طریق وسایل علنی به اشخاص عادی کم تر می باشد؛ زیرا که مقنن در ماده ۴۴۲ قانون جزا، مرتکب دشنام به اشخاص عادی را محکوم کرده است به حبس قصیری که از سه ماه کم تر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کم تر و از دوازده هزار افغانی بیش تر نباشد.

نکته ای که در این جا توجه شود، این است که شمول ماده ۲۴۳ قانون جزا، مشروط به این است که دشنام به نمایندگان سیاسی خارجی به ارتباط و وظیفه شان باشد و نیز اهانت به سران و نمایندگان سیاسی خارجی جرم است؛ هر چند کشور متقابل آن را جرم نداند و این که مقنن افغانستان در تحقق جرم توهین به اشخاص مزبور، معامله به مثل کشور مقابل را شرط نکرده، در واقع سرچشمه از فرهنگ مهمان نوازی مقنن است که این خود برگرفته از آموزه های مترقی دین مبین اسلام می باشد که مسلمانان را سفارش به احترام و تکریم مهمانان می فرماید. پیامبر خدا می فرماید: «من حق الضیف ان یکرّم و...»؛ از حقوق مهمان (بر میزبان) این است که گرامی داشته شود. در حدیث دیگر می فرماید: «مهمان را- اگر چه کافر باشد- اکرام و احترام نمایید».^۱ امام علی (ع) نیز می فرماید: «مهمان نوازی اصل جوانمردی است».^۲

۲- ۱- ۴. توهین منسوب به نیروهای مسلح

در حقوق افغانستان، توهین منسوب عسکری در دو ماده در قانون جزای عسکری انعکاس یافته است:

۱. تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق، ص ۸۴: «اکرموا الضیف ولو کان کافراً».

۲. «الضيفه رأس المروه» به نقل از: محمد باقر حیدری و مسعود اسماعیلی، ضیافت نیکان، بی جا، چاپ ۱، ۱۳۷۷، ص ۵۸، ۴۹ و ۳۵.

ماده ۲۲: «۱- هرگاه منسوب عسکری، آمر یا مادون خود را با عمل غیر اجباری که موجب تحقیر شرف و حیثیت عسکری گردد توهین نماید، حسب احوال به جزای حبس از یک الی شش ماه محکوم می‌گردد؛ ۲- هرگاه منسوب عسکری، آمر یا مادون خود را با عمل اجباری که موجب تحقیر شرف و حیثیت عسکری گردد توهین نماید، حسب احوال به جزای حبس از سه الی شش ماه محکوم می‌گردد».

ماده ۲۳: «هرگاه یک عسکر، عسکر دیگری را که در بین آنها ارتباط آمریت و مادونیت موجود نباشد توهین نماید، حسب احوال به جزای حبس از یک الی شش ماه محکوم می‌گردد».

با توجه به مواد فوق، مقنن جزایی افغانستان، توهین منسوب عسکری را به حین انجام خدمت یا به سبب ادای آن، مشروط نکرده است.

۳- توهین به اشخاص حقوقی کشور

به موجب ماده ۲۴۱ قانون جزاء، مجازات توهین به ملت افغان، بیرق و یا نشان دولت افغانستان، حبس متوسط است که شدیدتر از مجازات توهین به اشخاص عادی است؛ هرچند که مطابق ماده ۲۴۶ قانون مذکور، توهین به اشخاص حقوقی؛ مانند لویه جرگه، پارلمان، حکومت، اردو و محاکم تشدید نشده است و مجازات توهین به اشخاص عادی را دارد.

۳- ۱. تشدید مجازات به اعتبار وسیله

در حقوق جزای افغانستان، وسیله علنی^۱ نقش در تشدید مجازات توهین دارد؛ یعنی اگر توهین یا دشنام از طریق وسایل علنی انجام گیرد، مرتکب به مجازات شدیدتر از مجازاتی

۱. ماده سیزدهم قانون جزای افغانستان وسایل علنی را این‌گونه بیان می‌کند: «به مقصد این قانون وسایل آتی، علنی شمرده می‌شود: ۱- گفتار وقتی علنی شمرده می‌شود که در محفل عام، راه عام، یا سایر مواضع، طوری به جهر گفته شود که اگر کسی در آنجا، موجود می‌بود، آن را شنیده می‌توانست. ۲- فعل وقتی علنی شمرده می‌شود که در محفل عام، راه عام یا سایر مواضع طوری واقع گردد که اگر کسی در آنجا موجود می‌بود، آن را دیده می‌توانست. ۳- رسم، تصویر، فیلم، نوشته، رمز و سایر وسایل تمثیلی، وقتی علنی شمرده می‌شوند که به بیش از یک نفر توزیع گردد و یا طوری به نمایش گذاشته شود که اگر کسی موجود می‌بود، آن را دیده می‌توانست، یا فروخته شود یا به فروش عرضه گردد».

که با وسیله غیر علنی انجام می‌شود، محکوم می‌گردد؛ چنان‌که مقنن در ماده ۴۴۲ قانون جزا مقرر می‌دارد: «... در صورتی که دشنام به یکی از وسایل علنی تحقق یافته باشد، مرتکب به حبس قصیری که از سه ماه کم‌تر نباشد یا جزای نقدی که از سه‌هزار افغانی کم‌تر و از دوازده‌هزار افغانی بیش‌تر نباشد، محکوم می‌گردد.» و در ماده ۴۴۳ مجازات توهین به غیر وسیله علنی را تخفیف می‌دهد و می‌گوید: «اگر دشنام به وسیله علنی صورت نگرفته باشد؛ بلکه توسط تلفن، ارسال مکتوب و یا توسط شخص دیگری ابلاغ گردیده باشد، مرتکب به جزای حبسی که از سه ماه کم‌تر و از شش ماه بیش‌تر نباشد یا جزای نقدی که از سه‌هزار افغانی کم‌تر و از شش‌هزار افغانی تجاوز نکند، محکوم می‌گردد؛ هم‌چنان که توهین به رئیس جمهور، مقامات و کارمندان کشور به وسیله علنی موجب تشدید مجازات است.

برخی تصور کرده‌اند که وسیله علنی شرط تحقق جرم توهین به رئیس جمهور و مقامات کشور است؛ در حالی که به نظر می‌رسد این تصور دور از حقیقت باشد؛ زیرا وسیله علنی فقط موجب تشدید مجازات است، نه این‌که شرط تحقق جرم توهین باشد؛ برای این‌که عقلانی نیست که گفته شود توهین از طریق وسایل غیر علنی به رئیس جمهور، جرم نیست؛ در حالی که توهین به وسیله غیر علنی نسبت به اشخاص عادی را جرم بدانیم؛ بنابراین، اگر توهین و دشنام به رئیس و مقامات کشور از طریق وسیله غیر علنی صورت گیرد، مرتکب مطابق ماده ۲۹۵ قانون جزا، مجازات می‌گردد؛ زیرا که مقنن افغانستان در ماده مذکور، مقرر می‌دارد: «هرگاه اهانت توسط تلگراف یا تلفن یا نوشته و یا رسم متوجه شخص گردد، مرتکب به جزای فقره (۱) ماده ۲۹۴ این قانون محکوم می‌گردد.» از آن‌جا که مقنن، تعبیر به «شخص» نموده، شامل رئیس جمهور و تمام مقامات کشوری و هم‌چنان که شامل اشخاص عادی کشور نیز می‌گردد. در صورتی که توهین به غیر از موارد مذکور در ماده ۲۹۵ صورت بگیرد، مرتکب جرم توهین مطابق ماده ۴۴۳ به جزا محکوم می‌گردد.

۳-۲. تشدید مجازات به اعتبار قداست طرف توهین

در قوانین جزایی افغانستان، از توهین و تحقیر به مقدسات اسلامی و پیشوایان دینی و

مذهبی سخنی به میان نیامده است؛ هرچند که مقنن در فصل هجدهم قانون جزاء افغانستان، موادی را در مورد جرایم علیه ادیان مقرر کرده است؛ ولی این مواد اشاره‌ای صریح به اهانت به مقدسات اسلام، امامان و پیشوایان مذهبی ندارند. بناءً به نظر می‌رسد که اهانت به مقدسات اسلامی و رهبران شاخص مذهبی، نمود کم‌رنگی در حقوق افغانستان دارد.

از آن‌جا که ملت افغانستان یک ملت مسلمان و عنوان حکومت آن، حکومت جمهوری اسلامی است، مقدسات اسلام باید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد و با مجرمین دینی و هتک‌کنندگان به پیشوایان دینی و مذهبی به شدت برخورد شود، زینبده و شایسته نیست برای مجلس قانون‌گذاری یک کشور مسلمان که برای توهین و اهانت به شخص اول سیاسی و مقامات دولتی و هم‌چنین مقامات و مهمان‌های سیاسی کشور خارجی مجازات مرتکب را تشدید نماید؛ ولی توهین به یک مرجع دینی و مذهبی را در ردیف توهین به اشخاص عادی قرار بدهد؛ در حالی که توهین به مرجع دینی و پیشوای مذهبی، توهین به همه مسلمانان و پیروان او در تمام کشورها و نقاط دنیا می‌باشد؛ بنابراین، به‌جا و شایسته است که پارلمان افغانستان، که یک نهاد قانون‌گذاری است، این عیب و نقص را برطرف نماید و موادی را در دفاع از مقدسات اسلامی و پیشوایان دینی و مذهبی در آینده مصوب سازند.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

ج) ماهیت جرم توهین

با توجه به تعریفی که از حق‌الله و حق‌الناس به عمل آمده است و گفته شده است جرایمی که منشأ آن‌ها تخطی و تجاوز از احکام الهی است، حق‌الله و جرائمی که منشأ آن‌ها تجاوز به حقوق اشخاص و اضرار به آن‌ها است، حق‌الناس می‌باشد. ماده ۴۴۲ و ۴۴۳ قانون جزاء، که حکم توهین به افراد عادی را بیان می‌کند، از جرایم قابل گذشت و به تعبیر دیگر، از حق‌الناس می‌باشد. راجع به مقررات ماده ۲۴۲، ۲۴۶ و ۲۴۸ قانون جزاء، که اهانت و توهین به رئیس جمهور کشور، مؤلفین خدمات عامه و مقامات دولتی را اعلام می‌کند، از جرایم حق‌الناس نبوده و قابل گذشت نمی‌باشد؛ بلکه از جرایم عمومی و از مصادیق جرایم علیه امنیت داخلی کشور می‌باشد؛ بنابراین، جرم توهین به اشخاص مذکور بدون شکایت شاکی

خصوصی قابل تعقیب است و گذشت شاکی تنها ممکن است در تخفیف مجازات مرتکب مؤثر باشد؛ هم‌چنان که به موجب ماده ۲۴۳ قانون جزاء، توهین به مقامات و مهمان‌های سیاسی خارجی از زمره جرایم علیه امنیت داخلی دولت و از جرایم عمومی محسوب می‌شود. دلیل آن نیز شاید آن باشد که توهین به مقامات سیاسی کشورهای خارجی، در واقع توهین به اقتدار امنیتی دولت قلمداد می‌شود. دولت وظیفه دارد که امنیت مهمان سیاسی را در تمام ابعادش از جمله امنیت حیثیتی آن‌ها را تضمین نماید.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق جرم توهین، از منظر حقوق جزای افغانستان مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. نتایج به دست آمده از این تحقیق عبارت‌اند از:

الف) توهین از جرایمی است که آبرو، اعتبار و حیثیت شخص را مصدوم و مهتوک می‌سازد و آسیب‌های حیثیتی، روحی و روانی را در پی دارد که مداوا و درمان آن‌ها بسیار سخت‌تر و دشوارتر از صدمات و ضررهای مالی و جسمانی است.

ب) در اسلام آبرو و حیثیت افراد محترم و از عالی‌ترین و ارزنده‌ترین سرمایه‌های معنوی انسان شمرده شده است که نباید مورد بدزبانی و توهین دیگران قرار گیرد. فلسفه بخشی از دستورهای اخلاقی اسلام؛ همانند ممنوع شدن غیبت، تهمت و فحاشی، حفظ آبروی انسان و جلوگیری از هتک حرمت او است. در حقوق جزای افغانستان نیز توهین و تحقیر کردن، جرم تلقی گردیده است.

ج) در حقوق جزای افغانستان، مجازات توهین در دو سطح ساده و مشدد پیش‌بینی گردیده است. در صورت توهین به شخص اول مملکت، مقامات خارجی و نیروهای مسلح، مجازات تشدید می‌شود و هم‌چنین توهین به اشخاص حقوقی از عوامل و کیفیات مشدده مجازات در جرم توهین به حساب آمده است.

منابع

۱. قرآن مجید
۲. آقای‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۳. البوصیری، أحمد بن ابی بکر بن إسماعیل، إتحاف الخیره المهره، دارالوطن - الرياض، الطبعة الأولى، ۱۴۲۰هـ. ۱۹۹۹م، ج ۲.
۴. یاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۳، ۱۳۵۲.
۵. حر عاملی، محمدحسن، تفصیل وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ ۱، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲.
۶. حسین‌خانی، بهمن، حقوق جزای اختصاصی (۱)، تهران، نسل نیکان، ج ۱، ۱۳۸۲.
۷. حیدری، محمدباقر و اسماعیلی، مسعود، ضیافت نیکان، بی‌جا، چاپ ۱، ۱۳۷۷.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱، ج ۱۵.
۹. زراعت، عباس، حقوق جزای اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص، تهران، فرسازان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۰. سپهوند، امیرخان، حقوق کیفری اختصاصی ۱، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ ۱، ۱۳۸۶.
۱۱. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، تهران / ژوبین / مجد، چاپ هفتم، ۱۳۸۲، ج ۱.
۱۲. شعیری، تاج‌الدین، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۱۳. عبدالمنعم، محمود بن عبدالرحمان، معجم المصطلحات و الإلفاظ الفقهی، بی‌جا، دارالفضیله، بی‌تا، ج ۱.
۱۴. فلسفی، محمدتقی، الحدیث - روایات تربیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ مکرر، ۱۳۶۸، ج ۱.
۱۵. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۲.
۱۶. محمدی تاکندی، علی و رضا شیخ محمدی، خاطرات و حکایات روح‌فزا، قم، آزاد گرافیک، ۱۳۸۲.
۱۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۸، ۱۳۷۱، ج ۱.
۱۸. مؤمنی، عابدین، حقوق جزای اختصاصی اسلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۹. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه امنیت، تهران، نشر میزان، چاپ ۱۳، ۱۳۸۸.
۲۰. نورانی، مصطفی، محرّمات و کیفر آن‌ها در دین اسلام، انتشارات مکتب اهل بیت (ع)، چاپ ۴، ۱۳۶۹، ج ۱.
۲۱. ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱، ۱۳۶۹، ج ۲.